

پرسه‌زدن در میان روایت‌های زندگی ترکمن‌ها حتما حال و هوایتان را عوض می‌کند

یک قوم و هزاران رنگ

تحریریه
قفسه کتاب

تاریخ قوم ترکمن بسیار مبهم است. واژه‌های ترکمان، ترکمن، و تراکمه تا قرن چهارم در منابع فارسی و عربی به کار نمی‌رفت و نویسندگان مسلمان آنان را بانام «ترک» می‌شناختند. در فاصله پیروزی‌های قتیبة بن مسلم باهلی، از ۸۶ تا ۹۶، در خراسان و ماوراءالنهر و سقوط دولت قرقان مسیحی شهر طراز به دست امیر اسماعیل سامانی در ۲۸۰، سیردریا مرز ترکان و مسلمانان بود. از اقصای فرغانه تا اسفنجاب/ اسپنجاب، قرق هاسکونت داشتند و از اسفنجاب تا رودخانه امپا و سواحل و جزایر دریای مازندران، ترکان غزمی زیستند. قرن‌ها پیش از اسلام، گروه‌هایی از این اقوام، به‌ویژه غزها، به علت آمیختگی با ایرانیان آسیای میانه و اقوام تخیاری و سُغدی، با آنها شباهت‌های ظاهری بسیاری یافته بودند. ما در این شماره سراغ این قوم پر رنگ و پر نقش و نگار رفته‌ایم و از لابه‌لای کتاب‌ها، روایت‌هایشان را جدا کرده‌ایم و برایتان به تصویر کشیده‌ایم. بخوانید و لذت ببرید.

ردپای تزار بر خاک ترکمن صحرا



فاطمه عارف نژاد: تا حالا ترکمن صحرا رفته‌اید؟ چشم‌اندازهای دست‌نخورده‌اش مسحورتان کرده؟ صدای ساز محلی‌اش دلتان را برده؟ من که هیچ‌وقت یادم نمی‌رود. کنج کتابخانه به خودم آمدم و دیدم ۴۴۷ صفحه را تمام کرده‌ام، و چنان در قصه و شکوه ترکمن صحرا غرق شده‌ام که نمی‌دانم چطور باید برگشت خانه! سرگذشت پاش بخشی، قهرمان داستان، با همه جنونش شیفته‌ام کرده بود. دلم نمی‌خواست با هم خدا حافظی کنیم. این رمان، از آن رمان‌هاست. یکی از آن کارهایی که به گمانم حالا حالا‌ها مانده تا قدر و قیمتش معلوم بشود. یوسف قوجق، نویسنده اهل گنبد کاووس و فارغ‌التحصیل زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبایی است. آشنایی‌اش با فرهنگ ترکمن‌ها و زیبایی قلم تراش‌خورده‌اش دست به

نویسنده:

یوسف قوجق

ناشر:

دفتر نشر فرهنگ

اسلامی

صفحه ۴۴۷

تومان ۶۸۰۰۰

دست هم داده‌اند تا اثر ماندگاری خلق کنند. رمانی در پاسداشت میهن دوستی، مبارزه و مقاومت. قصه بر محور رنج‌های تاریخی قوم ترکمن و صحرای پریبرکتشان می‌گردد. سرزمینی غریب و نجیب در شرق دریای خزر که حتی پس از معاهده ترکمانچای، کماکان یکی از اهداف توسعه‌طلبی‌های روسیه تزاری است. زمان، زمان بی‌کفایتی قاجاریه است و روایت، روایت ایستادگی گوک‌تپه در برابر بیگانه؛ جنگی نابرابر و بی‌شمار خون‌هایی که بر خاک صحرا ریخته شده. مقطعی از تاریخ که شاید خیلی‌ها اطلاعی از ماجراهایش نداشته باشند. داستان با ورود فرمانده جدید قشون روس به منطقه شروع می‌شود. افسر ارتش تزار، ماکسیموویچ، مافوقش را نسبت به شرایط ناحیه توجیه می‌کند. آن اطراف همه روستایی‌ها سرگرم تدارک یک جشن مهم‌اند. پسر نوازنده مشهورشان قرار است داماد بشود. خط زمانی می‌شکند و داستان به ۲۵ سال قبل برمی‌گردد؛ به سقوط قلعه، کشتار غیرنظامی‌ها و قرارداد آخال. گذشته دست از سر پاش بخشی بر نمی‌دارد. شخصیت‌پردازی با ظرافت انجام شده. تعلیق فوق‌العاده‌ای دارد و اگر در آغاز کمی به خودتان و نثر کتاب فرصت بدهید، حتما با حال و هوایش انس می‌گیرید. قول می‌دهم که می‌خوب‌تان کند. فضاسازی درجه یک، تصاویر و موسیقی زنده‌اش گاهی پا را از خواندنی بودن فراتر می‌گذارد و به اثری دیدنی‌شنیدنی تبدیل می‌شود. خود من مدت‌هاست که تمامش کرده‌ام، ولی طعم آن ماجرای سرتاسر حماسه هنوز زیر زبانم مانده و صدای دوتار پاش بخشی هنوز در گوشم است. پس زودتر بلند شوید و به کتابفروشی سر بزنید، یک نسخه «وقت جنگ دوتارت را کوک کن» بخرید و پا به ترکمن صحرا بگذارید.

صحرا شاعرت می‌کند...



نویسنده:

نادر ابراهیمی

ناشر:

نشر روزبهان

صفحه ۱۶۱۲

تومان ۴۵۰۰۰۰

فاطمه منفرد: نوشتن «آتش بدون دود» کمرم را شکست! تمام کرد. خُرد و خمیرم کرد. خسته و بیمارم کرد. هیچ‌کس بر مرگ فرزند خویش، آن‌قدر نگریسته است که من بر سر سطر سطر این کتاب گریستم. این جملات را نادر ابراهیمی در انتهای جلد هفتم می‌نویسد. جایی که البته شما هنوز تمام‌شدن داستان را باور نکرده‌اید و محو شاعرانگی و هنر چیدن کلمات کنار یکدیگرید. احتمالا از آنجا که اسم این کتاب را بارها شنیده‌اید، گمان می‌کنید به همان میزان هم به آن بها داده‌شده است. اما قویا معتقدم این‌طور نیست. همچنان که قدر نادر ابراهیمی آن‌گونه که باید و شاید شناخته نشد، ارزش جایگاه این کتاب هم همواره مغفول ماند. کتابی که در هفت جلد چنان داستان را در طول زمان آب و تاب می‌دهد و شخصیت‌ها را می‌سازد که عمیقا مغلوب روایت جذابش می‌شوید.

داستان مردمی ترکمن که از دل تاریخ آغاز می‌شود، شب‌های شاعرانه صحرا را به تصویر می‌کشد، بوی آتش و باروت را در فضای پراکند، چند نسل پیاپی را در آغوش

می‌گیرد و تقریبا تا سال‌های انقلاب پیش می‌آید. ماجرای اصلی کتاب، عشق است. عشق به محبوب، به تفنگ، به اسب، به اوبه، به قوم و قبیله، به دین، به آزادی، به وطن! با پیشرفت داستان شاهد پیشرفت و تمدن‌پذیری شخصیت‌ها هم هستیم، چه از نظر فکری چه از لحاظ شیوه زندگی و مهم‌تر از اینها شاهد جنگ سنت و مدرنیته هستیم. شخصیت‌ها چنان واقعی می‌نمایند که گاهی وسوسه می‌شوید نام‌شان را در کتاب‌های تاریخی جست‌وجو کنید، شاید واقعا وجود خارجی داشته باشند! هر جمله و هر دیالوگ به طرز زیرکانه و ظریف‌ترین شکل ممکن نوشته شده است. از آن کتاب‌ها که اگر قرار بر مشخص کردن جملات ماندگارشان بگذارید باید زیر تمام سطور کتاب خط بکشید! وقتی در حال خواندن کتاب هستید، نویسنده را به کل فراموش می‌کنید. نادر ابراهیمی، خود آتش بدون دود است اما انگار دنیای آتش بدون دود نویسنده ندارد و خودش در حال روایت خودش است. مخلص کلام این‌که با کتاب عجیبی روبه‌رو هستید و قطعا پس از تمام شدن آرزو می‌کنید کاش حافظه‌تان پاک می‌شد تا دوباره بتوانید لذت اولین بار خواندنش را تجربه کنید.

ماتی‌خان، مورخ یا قصه‌گو؟



نویسنده:

عبدالرحمن اونق

ناشر:

سوره مهر

صفحه ۴۱۶

تومان ۵۰۰۰۰

سید علی مدد زیدی: طعم این دستیخت جناب عبدالرحمن، طعم میرزا قاسمی‌ای را می‌داد که این‌بار به جای جنگل‌های شمال، حوالی صحرای اقوام ترکمن پیاده‌تان می‌کند و راوی روایتی می‌شود از جنس همان آب و خاک.

اگر بخواهیم پیچ‌ومهره ریل قصه را از جز به کل محضرتان باز کنیم، ابتدا به امر باید گوش بگیریم و ببینیم اثر درباره خودش چه ادعایی دارد و مسافران‌ش را به کجا می‌خواهد ببرد؟

در قدم اول قصه فریاد غلیظی را در سراسر صفحاتش به گوش مخاطب می‌رساند که من یک ترکمن هستم. از انتخاب واژه گرفته تا شخصیت‌پردازی و سرهم کردن مناظر و... همه موبد این فریاد هستند و به نوعی ستون فقرات اصلی روایت را نیز همین اتمسفر بومی شکل می‌دهد.

در قدم دوم با صدایی آرام‌تر خود را راوی تاریخ می‌داند. همین نکته باعث می‌شود زیربنای اصلی قصه در عهد آن سرباز صفر میرپنج نما ریخته شود و بخش کثیری از داستان (به استثنای ابتدا و انتهای روایت که دچار پرش زمانی است) وقف ترسیم نوع مواجهه قوم ترکمن با توهمات شبه مدرن آن سرباز بر تخت نشسته شود.

اما در قدم پایانی تلاش می‌کند مرقومات دو بند قبلی را با چاشنی قصه‌گویی به‌بار آورد و آتش پرلعب و یکدستی تحویل مخاطب بدهد. در این ایستگاه روانی قلم و خامی دیالوگ‌ها بیش از همه چیز زیر زبان حس می‌شود؛ البته که همین غلبه قصه‌گویی و روانی قلم همان‌گونه که خوانش را برای خواننده لذتبخش و آسان می‌کند به همان نسبت از استنادات تاریخی آن به شکل قابل‌توجهی می‌کاهد.

در آخر نیز باید خدمت‌تان عارض شوم که چنانچه به دنبال پیدا کردن پازل‌های گمشده تاریخی و تاریخچه مستندی از احوالات اقوام ترکمن در قبل انقلاب هستید، ماتی‌خان راست کار شما نیست. اگر هم در پی یک شاهکار ادبی می‌گردید، مجددا باید عارض شوم که ماتی‌خان راست احوالات‌تان نیست اما در صورتی که یابنده سفری چند روزه، همراه یکی از طوایف صحرانشین ترکمن به ابتدای قرن چهاردهم هجری شمس هستید، ماتی‌خان همانی است که باید بخوانید.